



ارتش آمریکا، در جنگ با
ایران دچار تردید شده است
Michel Chossudovsky

پرفسور میشل شاسوداوسکی
Michel Chossudovsky

برگردان:

محمد علی اصفهانی

www.ghoghnoos.org

پرفسور میشل شاسوداوسکی، نویسنده و چهره ی سیاسی سرشناس جهانی و مدیر مرکز معروف Global Research از فعال ترین مبارزان ضد جهانی شدن سرمایه داری لجام گسیخته، و از ارکان ثابت جنبش جهانی صلح است. با کتاب هایی در تیراژ های بسیار وسیع و ترجمه شده به بیش از ده زبان. او در تازه ترین مقاله ی خود به تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۷ در ارتباط با احتمال حمله ی آمریکا به ایران، نکاتی اساسی را مطرح کرده است.

این مقاله، در عین آن که برای هر انسان بی غرضی آموزنده است، می تواند به غلط یا به درست، باعث دلخوشی یا سرخوردگی دو گروه رقیب، یکی سواره و بر مسند قدرت، و دیگری پیاده و دوان و روان در پی کثیف ترین و پلید ترین موجودات قابل یافت بر روی کره ی ارض به منظور گرفتن جای رقیب سواره

ی خود شود.

در صورتی که به هر حال:

- به زیر کشیدن رقیبِ سواره، و خونخواهی «زهرا» ها، کار مردم ایران است، در پیوند دادن مبارزات کارگری و دانشجویی و اجتماعی خود در همه ی اشکال و ابعاد آن با یکدیگر؛ و نه کار آمریکا و اسرائیل و قدیم‌الاستخدام ها و جدیدالاستخدام هایشان. و به خاطر منافع ملت ایران است؛ و نه به خاطر منافع سربازان آمریکایی در عراق و یا کولونی نشین های اسرائیلی در فلسطین.

- دشنامگویی ها و هرزه درایی های مستمر و سیستماتیک رقیبِ پیاده، به مخالفان حمله به ایران و تحریم ملت ایران، و به همه ی کسانی که در زمینه ی رسانیدن پیام «نه» به تجاوز دشمن خارجی به ایران، و «نه» به تجاوز دشمن داخلی به مردمی به اسارت کشیده شده فعّالند، نیز نه خواهد توانست چیزی را در اراده ی ملت ایران به تعیین سرنوشت خود به وسیله ی خود عوض کند؛ و نه خواهد توانست خللی در اراده ی پیام رسانان جنبش جهانی صلح - هر کدام به تناسب وسعشان - به وجود بیاورد.

همچنان که این دشنامگویی ها و هرزه درایی های مستمر و سیستماتیک را یارای پاک کردن ننگ ابدی پی نخواهد بود که بر پیشانی صادر کنندگان فرمان چنین دنائتی ثبت شده است و خواهد شد. بر پیشانی سیاه آن ها که:

با جاسوسی و به در و دار و دیوار کوبیدن خود به منظور زمینه سازی حمله به ایران، و تگّه تگّه کردن سرزمین ما، طمع تحقّق رؤیای شومی را دارند که تعبیر آن - در بهترین صورت - به کف آوردن گلیمی سراپا خون آلوده است در گوشه ی ویرانه پی از ایران، برای کشیدن بر سر اجساد مردم، و زنان و دختران و

دخترکان و کودکان ایرانی یی که در این ویرانه و آن ویرانه، همچون زنان و دختران و دخترکان و کودکان عراقی، مورد تجاوز سربازان آمریکایی و سرجوخه های ابوغریب قرار خواهند گرفت...

محمد علی اصفهانی

۲۸ آبان ۱۳۸۶

www.ghoghnoos.org

در حالی که نقشه ی آمریکا برای حمله به ایران وارد مراحل آماده سازی پیشرفته شده است، مقامات عالیرتبه ی نظامی آمریکا، کاخ سفید را به تردید و تأمل فرا می خوانند.

آسو شیتد پرس، در هشتم نوامبر چنین گزارش می دهد: «مسئولان دفاع آمریکا تأکید می کنند که نقشه های مورد مطالعه و تجدید نظر قرار گرفته برای حمله به ایران، حاضر و آماده اند؛ و در صورت تصعید بحران اتمی، به مرحله ی اجرا در خواهند آمد. اما به طوری که از ظواهر بر می آید، انجام این حمله، امری بسیار آنی و فوری نیست.

«در میان هدف های احتمالی یی که مورد حمله قرار خواهند گرفت، علاوه بر تأسیسات اتمی ایران، مثل تأسیسات اتمی نطنز، می توان از مراکز موشک های بالستیک ایران، سپاه پاسداران، و تمامی امکاناتی که ایران برای بستن تنگه ی حیاتی هرمز در اختیار دارد، نام برد.»

این گزارش، با سخنان اخیر جرج بوش و دیک چینی همخوان است.

بوش، در ۱۲ اکتبر امسال، با گفتن این سخن که رودررویی با ایران می تواند به جنگ جهانی سوم منجر شود، در واقع امر بمبی را

در فضای کنونی سیاسی جهان، منفجر کرد.
جرج بوش، همین اخیراً در یک گفتگوی تازه ی تلویزیونی، آن
سخنان را اینطور تکمیل و تشریح و توجیه کرده است:
- این حرف من به این خاطر بود که یک کشور [ایران] وجود دارد که
آژانس بین المللی نظارت بر سلاح های اتمی را به چالش می
طلبد.

این ادعای بوش، چیزی به جز یک دروغ بی شرمانه، آن هم از
سوی رییس جمهوری کشوری چون آمریکا، نیست.
در همین اوت امسال، آژانس بین المللی نظارت بر سلاح های
اتمی، تأکید کرد که برنامه ی اتمی ایران، برنامه یی غیر نظامی
است.

در کمتر از یک ماه پیش (در ۲۱ اکتبر) دیک چینی معاون رییس
جمهوری آمریکا اعلام داشت که:
- ایران در صورتی که برنامه ی اتمی خود را مطابق انتظارات
آمریکا تنظیم نکند، باید منتظر عواقب وخیمی باشد.
چینی در این سخنان، همچنین سعی کرد که بهانه های
موهومی برای توجیه ضرورت آغاز جنگ با ایران بتراشد. او از یک
«۱۱ سپتامبر دوم» سخن گفت. و همچنین از «فاجعه یی
اورژانس» که گویا قرار است در آمریکا رخ دهد.

در همین حال، دو کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری آینده ی
آمریکا، Rudi Giuliani از حزب جمهوری خواه، و هیلاری کلینتون از
حزب دموکرات، به طور ضمنی و تلویحی، تصمیمات دستگاه بوش
علیه ایران را مورد تأیید قرار دادند.

«توانمندی آمریکا» در حمله به ایران

اما این ادعا های جنگ طلبانه ی کاخ سفید، با آنچه از رفتار و سخنان مقامات عالیرتبه ی آمریکایی بر می آید، در تناقض است. رییس جدید ستاد عمومی ارتش، دریاسالار Michael Mullen که مأموریتش در همین اکتبر امسال آغاز شده است، در سخنانی که از او در شماره ی ۲۲ اکتبر روزنامه ی اسرایلی هاآرتص منتشر شده است در عین آن که به شدت از کاخ سفید حمایت می کند، به ناتوانی آمریکا نیز معترف می شود. او توضیح می دهد که جنگ های عراق و افغانستان ممکن است «توان ارتش آمریکا را در ورود به جنگ هایی مهم تر با رقیبانی از جمله ایران، تحلیل برده باشد.»

همین دریا سالار Michael Mullen در گفتگوی خود با نیویورک تایمز چنین می گوید:

- خطر می تواند بسیار بسیار زیاد باشد... در حال حاضر، ما در گیر دو جنگ در منطقه هستیم. [در عراق و در افغانستان.] باید به صورتی فوق العاده، در ارزیابی توان خود در ورود به یک درگیری جدید در همین منطقه، با سومین کشور [ایران] محتاط باشیم.

این تردید دریاسالار Michael Mullen را نباید به اختلاف نظر ارتش با کاخ سفید در مورد ضرورت حمله به ایران دانست. بلکه باید این تردید را نوعی دعوت به بازنگری در امکان عملی کردن این حمله تلقی کرد.

دریا سالار Michael Mullen اعتراف می کند که در پی آنچه در عراق رخ داده است، ارتش آمریکا به لحاظ استخدام نیرو دچار مشکل شده است.

پنتاگون نیز به طور ضمنی و تلویحی، اعتراف کرده است که در افغانستان و در عراق، آمریکا و نیروهای متحد آن با مقاومتی بسیار سخت رو به رو هستند.

و حتی دریا سالار دیگر William Fallon فرمانده فرماندهی مرکزی آمریکا USCENTCOM که خودش یکی از طرفداران سرسخت و بی تاب نقشه ی بوش - چینی برای حمله به ایران است، سعی می کند [به ظاهر و یا به واقع - م] خطر حمله به ایران را کمتر از آنچه به نظر می آید نشان دهد:
- ایران در برنامه ی کار من قرار ندارد!
او به خوبی از توان ایران به پاسخگویی پی که منجر به تلفات زیادی برای آمریکا و متحدانش می شود آگاه است.

در جبهه ی دیپلماسی

در همین اثنا، پنتاگون بر فشارهای خود بر فرانسه و آلمان به منظور تشدید تنبیهات علیه ایران افزوده است.
سارکوزی، رئیس جمهوری فرانسه، در سخنرانی در کنگره ی آمریکا، بر پشتیبانی بی قید و شرط خود از آمریکا تأکید کرد. (۱)
بوش و سارکوزی در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک، در هفتم نوامبر، بر نکاتی تکیه کردند که تحلیلگران سیاسی، آن را «جبهه ی واحد» برای تحمیل تحریمات اقتصادی علیه ایران نامیده اند.

سه روز، بعد، در شنبه ی گذشته، دهم نوامبر، صدر اعظم آلمان، آنگلا مرکر، هم به مزرعه ی خصوصی بوش در تگزاس می رود و در آنجا با او به گفتگو می نشیند.

و در پی این دیدار و گفتگوست که مرکل اعلام می کند که:

- اگر ایران تسلیم نشود، آلمان آماده ی اعمال تحریمات سخت تر علیه ایران است.

از مجموعه ی آنچه می بینیم، می توانیم اینطور نتیجه گیری کنیم که:

- زمان، زمان افزون تر شدن تلاش های آمریکاست برای منزوی کردن ایران، از طریق مذاکره با آلمان و فرانسه، و با کسب حمایت اتحادیه ی اروپا. (۲)

اما، آنچه در این میان باید مورد توجه قرار بگیرد، و در واقع، بنیان بازی بر آن استوار است، منافع تجاری اروپا، به خصوص منافع مؤسّسات چند ملیّتی نفتی اروپایی در ارتباط با ایران است. و در این مورد، دیک چینی در هشتم نوامبر، بر طبق گزارش «گاردین»، به اروپا اخطار لازم را داده است. او برای تحت فشار قرار دادن اروپا، اروپا را اینچنین تهدید کرده است:

- اگر آن ها در ایران بمانند، در معاملاتشان با آمریکا، دچار مشکل خواهند شد!

--

۱ - در این رابطه: گزارش اومانیته از سخنرانی سارکوزی در آمریکا:

سارکوزی تشکیل محور جدید پاریس - واشنگتن را جشن می گیرد:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar05/huma-sarko.html>

۲ - در این رابطه: اطلاعیه ی رسمی سازمان وحدت یهودی فرانسه برای صلح:

اولمرت به فرانسه آمده است تا موعظه ی جنگ با ایران را
بخواند:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar04/ujf-231007.html>